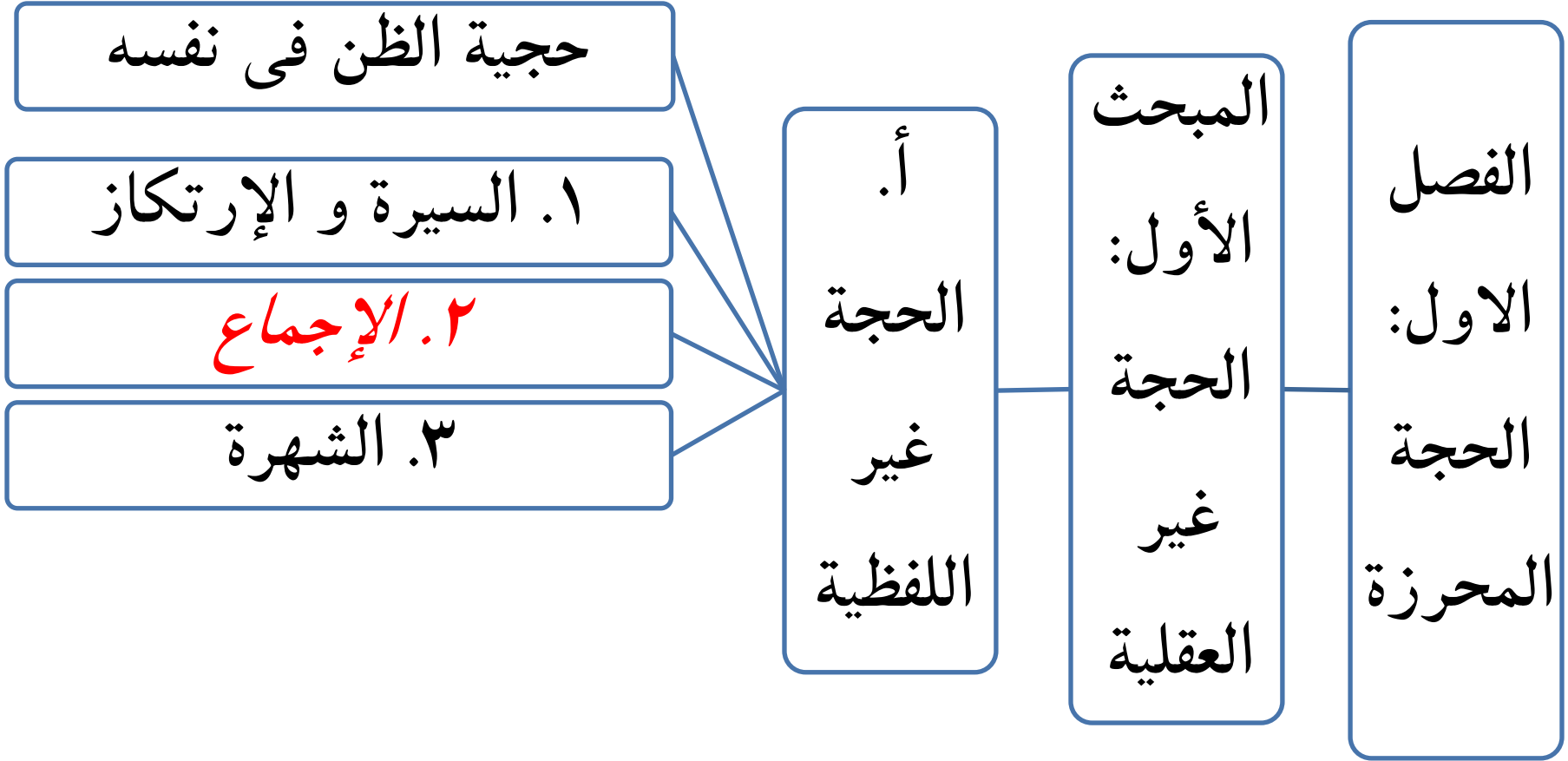


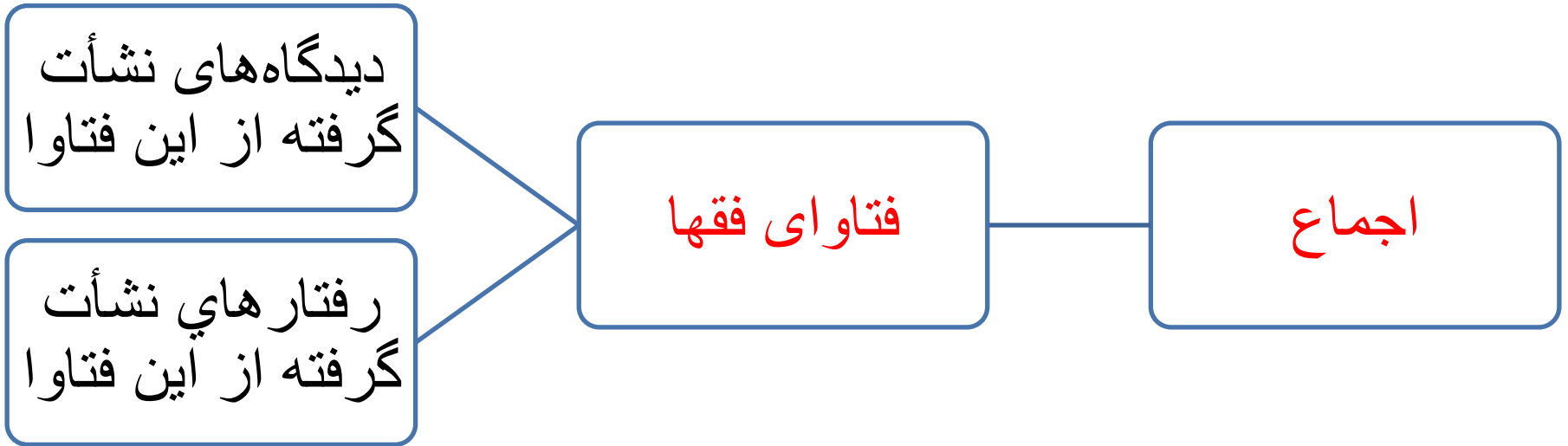
علم أصول الفقه

٩٥

١٠-٣-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

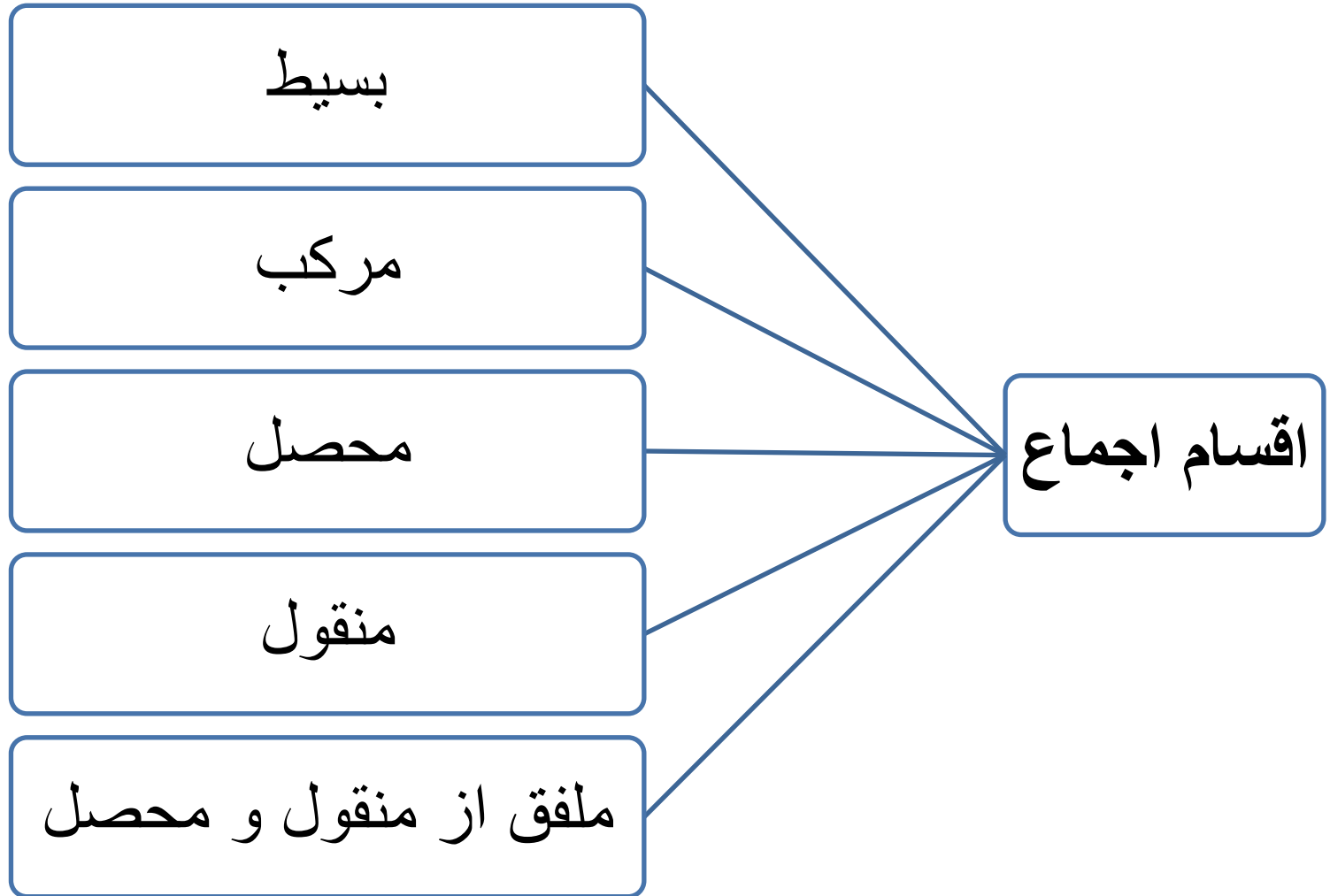




آیا این اتفاق
نظر فقها
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقها در فتوا

اجماع

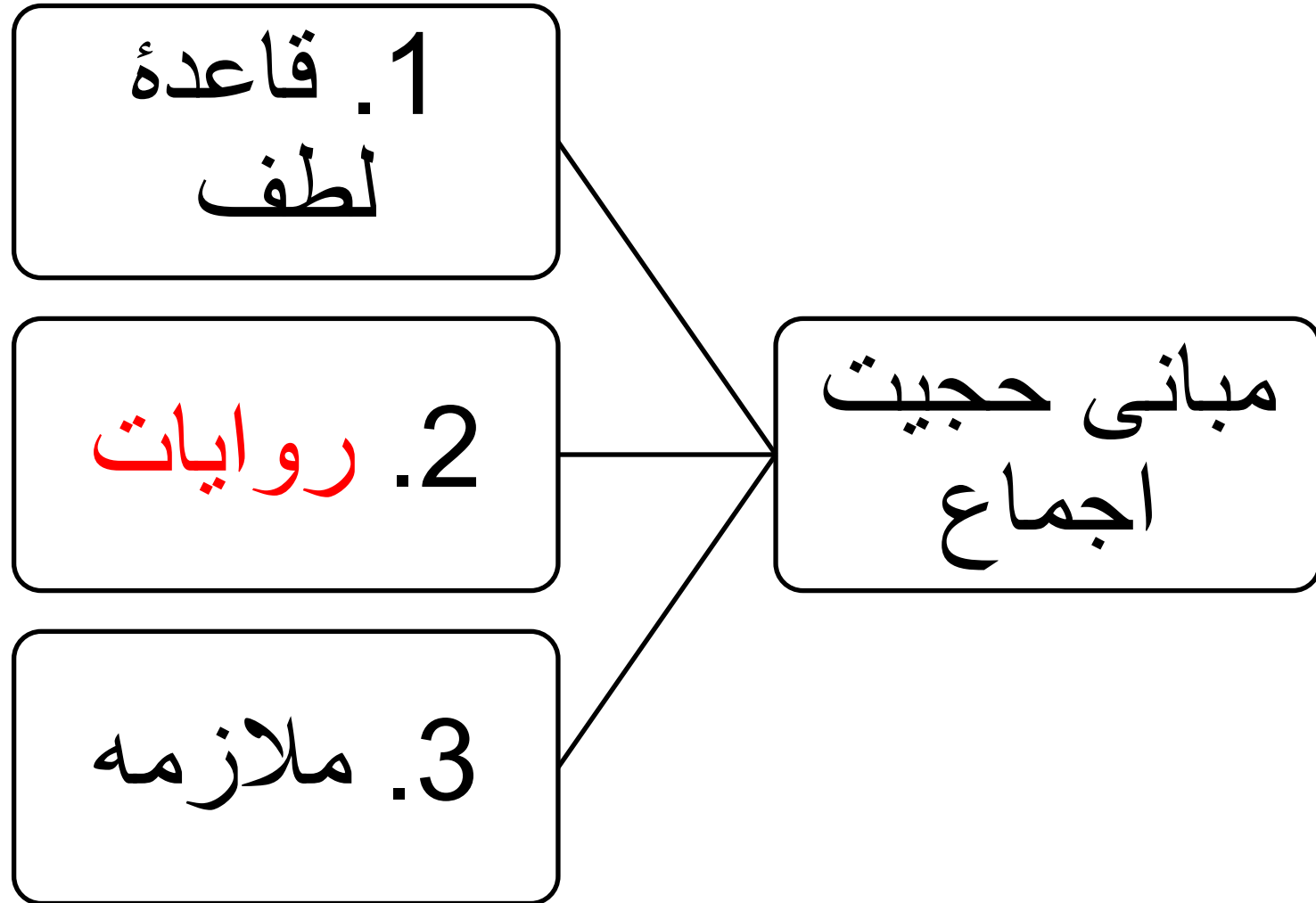


ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

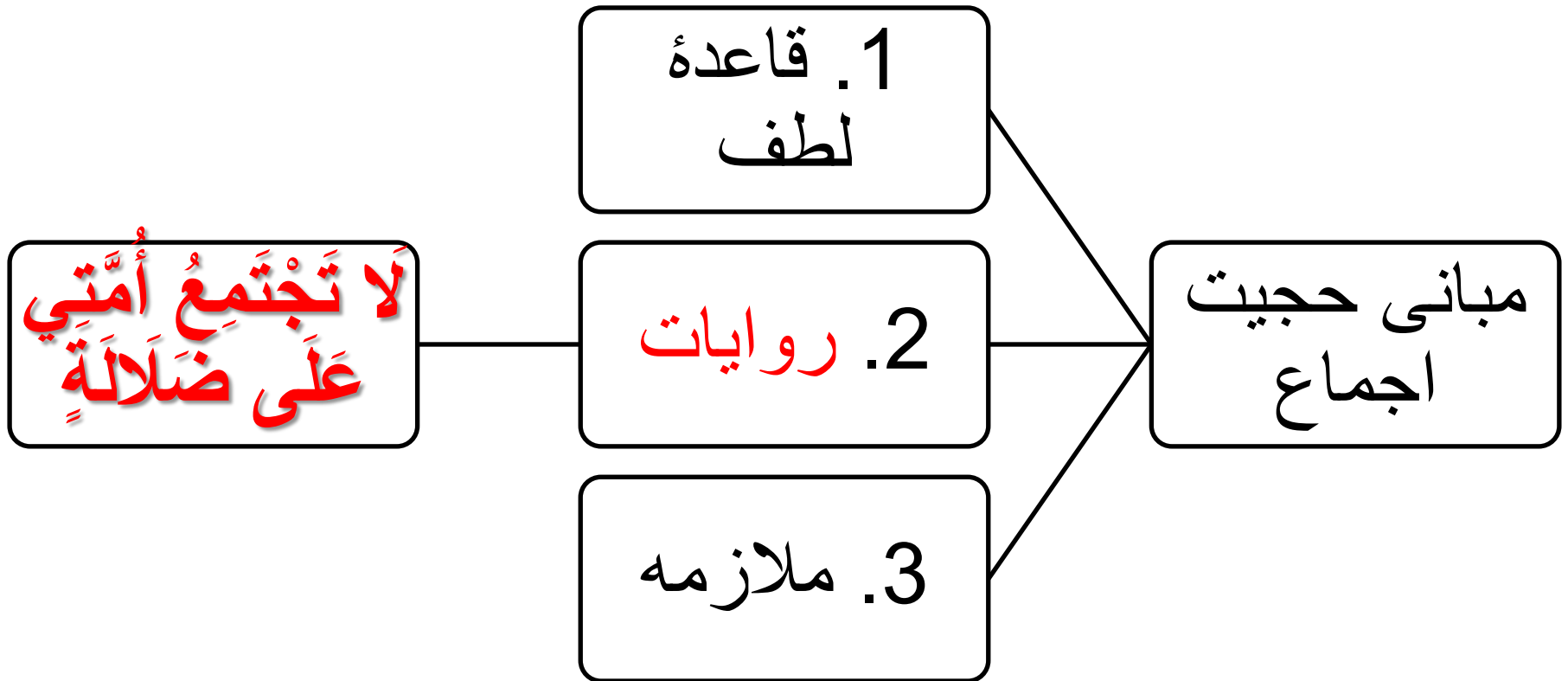
کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط



مبانی حجیت در اجماع بسیط



مبنای دوم: روایات

- مبنای دوم: روایات
- اساساً منشأ طرح مسأله اجماع برخی از روایات است که بیشتر در مصادر اهل سنت نقل شده‌اند؛
- **قَوْلِ النَّبِيِّ ص لَّا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ**
- البته در برخی از مصادر شیعی مثل «تحف العقول» و «بحار الأنوار» مضامین این روایات آمده است که منشأ نقل این روایات در بین شیعه همان روایاتی است که در مصادر اهل سنت آمده است.

بحث دلالتی روایات اجماع

- مضامین این روایات یکسان نیست. تعبیر بعضی از آنها این است که
«لا یجمع الله هذه الأمة على الضلالة أبدا».
- در جای دیگر تعبیر این است که پیغمبر - صلی الله علیه و آله -
 چهار دعا کردند و خداوند - تبارک و تعالی - استجابت کرد. یکی از
 آن دعاها این بود: **«و سأل ربه أن لا یجتمعوا علی ضلالة فأعطی
 ذلك».** آیا این مضمون با فرض اینکه مضمون از پیغمبر - صلی الله
 علیه و آله - صادر شده باشد، بر حجیت اجماع دلالت می کند؟

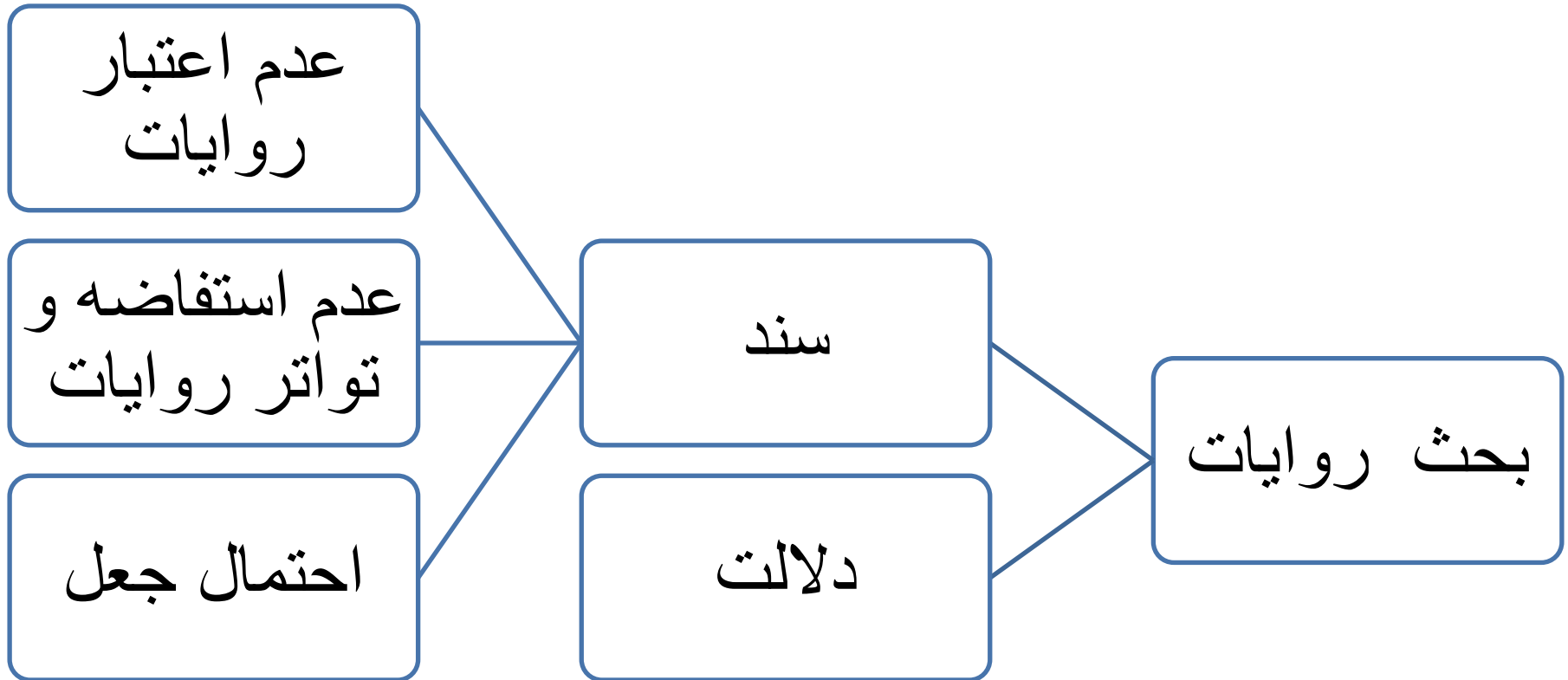
مبنای دوم: روایات

سند

دلالت

بجای روایات

مبنای دوم: روایات



پیشینه شناسی احادیث اجماع

- بنابراین
- اولاً هیچ یک از روایاتی که در بحث اجماع به آن تمسک شده است، حتی بر اساس معیارهای اهل سنت معتبر نیستند
- و ثانیاً تعدادشان آن قدر نیست که مفید استفاضه و تواتر باشد
- و ثالثاً با وجود زمینه‌ای که بحث منع حدیث برای بروز احادیث جعلی فراهم کرده بود و وجود یک انگیزه سیاسی قوی برای جعل، احتمال جعل در روایات اجماع وجود دارد و همین احتمال، امکان دستیابی سریع و آسان به استفاضه یا تواتر را کاهش می‌دهد.

بحث دلالی روایات اجماع

- مضامین این روایات یکسان نیست. تعبیر بعضی از آنها این است که «لا یجمع الله هذه الأمة على الضلالة أبدا». در جای دیگر تعبیر این است که پیغمبر - صلی الله علیه و آله - چهار دعا کردند و خداوند - تبارک و تعالی - استجابت کرد. یکی از آن دعاها این بود: «و سأل ربه أن لا یجتمعوا على ضلالة فأعطی ذلك». آیا این مضمون با فرض اینکه مضمون از پیغمبر - صلی الله علیه و آله - صادر شده باشد، بر حجیت اجماع دلالت می‌کند؟

بحث دلالي روايات اجماع

- ٣- ج، الإحتجاج و مما أجاب به أبو الحسن علي بن محمد العسكري ع في رسالته إلى أهل الأهواز حين سأله عن الجبر و التفويض أن قال اجتمعت الأمة قاطبة لا اختلاف بينهم في ذلك أن القرآن حق لا ريب فيه عند جميع فرقها فهم في حالة الاجتماع عليه مصيبون و على تصديق ما أنزل الله مهتدون لقول النبي ص لا تجتمع أممي على ضلالة فأخبر ص أن ما اجتمعت عليه الأمة و لم يخالف بعضها بعضاً هو الحق فهذا معنى الحديث لا ما تأوله الجاهلون و لا ما قاله المعاندون من إبطال حكم الكتاب و اتباع حكم الأحاديث المزورة و الروايات المزخرقة و اتباع

بحث دلالي روايات اجماع

- الأَهْوَاءِ الْمُرْدِيَةِ الْمُهْلِكَةِ الَّتِي تُخَالِفُ نَصَّ الْكِتَابِ وَ تَحْقِيقَ الْآيَاتِ الْوَاضِحَاتِ النَّبِيَّاتِ وَ نَحْنُ نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوفِّقَنَا لِلثَّوَابِ وَ يَهْدِينَا إِلَى الرَّشَادِ ثُمَّ قَالَ عَ إِذَا شَهِدَ الْكِتَابُ بِتَصْدِيقِ خَيْرٍ وَ تَحْقِيقِهِ فَأَنْكَرْتَهُ طَائِفَةٌ مِنَ الْأُمَّةِ وَ عَارَضْتَهُ بِحَدِيثٍ مِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ الْمَزُورَةِ صَارَتْ بِإِنْكَارِهَا وَ دَفْعِهَا الْكِتَابَ كُفَّارًا ضَلَالًا وَ أَصَحُّ خَيْرٍ مَا عُرِفَ تَحْقِيقُهُ مِنَ الْكِتَابِ

بحث دلالي روايات اجماع

- مِثْلُ الْخَبَرِ الْمُجْمَعِ عَلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَيْثُ قَالَ إِنَّي مُسْتَخْلَفٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ وَاللَّفْظَةُ الْآخَرَى عَنْهُ فِي هَذَا الْمَعْنَى بِعَيْنِهِ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَمْ تَضِلُّوا «١» فَلَمَّا وَجَدْنَا شَوَاهِدَ هَذَا الْحَدِيثِ نَصًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ مِثْلَ قَوْلِهِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

بحث دلالي روايات اجماع

- ثُمَّ اتَّفَقَتْ رَوَايَاتُ الْعُلَمَاءِ فِي ذَلِكَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَهُوَ رَاكِعٌ فَشَكَرَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَ أَنْزَلَ الْآيَةَ فِيهِ ثُمَّ وَجَدْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ أَبَانَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ بِهَذِهِ اللَّفْظَةِ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَال مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ قَوْلِهِ ص عَلِيٌّ يَقْضِي دِينِي وَ يُنْجِزُ مَوْعِدِي وَ هُوَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ بَعْدِي وَ قَوْلِهِ ص حَيْثُ اسْتَخْلَفَهُ عَلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ تُخْلِفُنِي عَلَى النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ « ٢ » فَقَالَ أ مَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

بحث دلالي روايات اجماع

- فَعَلِمْنَا أَنَّ الْكِتَابَ شَهِدَ بِتَصْدِيقِ هَذِهِ الْأَخْبَارِ وَ تَحْقِيقِ هَذِهِ الشَّوَاهِدِ فَيَلْزِمُ الْأُمَّةَ الْإِقْرَارُ بِهَا إِذْ كَانَتْ هَذِهِ الْأَخْبَارُ وَافَقَتْ الْقُرْآنَ وَ وَافَقَ الْقُرْآنُ هَذِهِ الْأَخْبَارَ فَلَمَّا وَجَدْنَا ذَلِكَ مُوَافِقًا لِكِتَابِ اللَّهِ وَ وَجَدْنَا كِتَابَ اللَّهِ مُوَافِقًا لِهَذِهِ الْأَخْبَارِ وَ عَلَيْهَا دَلِيلًا كَانَ الْاِقْتِدَاءُ بِهَذِهِ الْأَخْبَارِ فَرَضًا لَا يَتَعَدَّاهُ إِلَّا أَهْلُ الْعِنَادِ وَ الْفَسَادِ ثُمَّ قَالَ ع وَ مُرَادُنَا وَ قَصْدُنَا الْكَلَامُ فِي الْجَبْرِ وَ التَّفْوِيضِ وَ شَرْحِهِمَا وَ بَيَانِهِمَا وَ إِنَّمَا قَدَّمْنَا مَا قَدَّمْنَا لِكُونَ اتِّفَاقِ الْكِتَابِ وَ الْخَبَرِ إِذَا اتَّفَقَا دَلِيلًا لِمَا أَرَدْنَاهُ وَ قُوَّةً لِمَا نَحْنُ مُبَيِّنُوهُ مِنْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْخَبَرُ طَوِيلٌ

بحث دلالي روايات اجماع

(١) و في نسخة: ما انكم ان كنتم تمسكتهم و في أخرى: أما انكم ان تمسكتهم.

• (٢) و في نسخة: مع النساء و الصبيان.

• بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٢، ص: ٢٢٧

• نذكره بتمامه في باب الجبر و التفويض إن شاء الله تعالى.

بحث دلالي روايات اجماع

رسالته ع في الرد على أهل الجبر و التفويض و إثبات العدل و المنزلة بين المنزلتين
 • من علي بن محمد سلام عليكم و علي من اتبع الهدى و رحمة الله و بركاته فإنه ورد علي كتابكم
 • « ١ » و فهمت ما ذكرتم من اختلافكم في دينكم و حوضكم في القدر و مقالة من يقول منكم بالجبر و
 من يقول بالتفويض و تفرقكم في ذلك و تقاطعكم و ما ظهر من العداوة بينكم ثم سالتموني عنه و
 بيانه لكم و فهمت ذلك كله أعلموا رحمكم الله أنا نظرنا في الآثار و كثرة ما جاءت به الأخبار
 فوجدناها عند جميع من يتحلل الإسلام ممن يعقل عن الله جل و عز لا تخلو من معنيين إما حق
 فيتبع و إما باطل فيجتنب و قد اجتمعت الأمة قاطبة لا اختلاف بينهم أن القرآن حق لا ريب فيه عند
 جميع أهل الفرق و في حال اجتماعهم مقرون بتصديق الكتاب و تحقيقه مصيبون مهتدون و ذلك
 بقول رسول الله ص لا تجتمع أممي على ضلالة فأخبر أن جميع ما اجتمعت عليه الأمة كلها حق هذا
 إذا لم يخالف بعضها بعضاً و القرآن حق لا اختلاف بينهم في تنزيله و تصديقه فإذا شهد القرآن
 بتصديق خبر و تحقيقه و أنكر الخبر طائفة من الأمة لزمهم الإقرار به ضرورة حين اجتمعت في الأصل
 على تصديق الكتاب فإن هي جحدت و أنكرت لزمها الخروج من الملة فأول خبر يعرف تحقيقه من
 الكتاب و تصديقه و التماس شهادته عليه خبر ورد عن رسول الله ص و وجد بموافقة الكتاب و
 تصديقه بحيث لا تخالفه أقاويلهم حيث قال إني مخلف فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي لن
 تضلوا ما تمسكتم

بحث دلالي روايات اجماع

(١) رواها الطبرسيّ في الاحتجاج مجملاً تحت عنوان رسالته عليه السلام الى أهل الأهواز حين سأله عن الجبر و التفويض.

بحث دلالي روايات اجماع

- تحف العقول، النص، ص: ٤٥٩
- بهما و إنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فلما وجدنا شواهد هذا الحديث في كتاب الله نصاً مثل قوله جلّ و عزّ - إنما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتُونَ الزكاة و هم راعون. و من يتولّ الله و رسوله و الذين آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون «١»

پیشینه شناسی احادیث اجماع

- . محمود أبو ریه، الأضواء علی السنة المحمدية، ص ۴۶.
- . همان، ص ۲۶۳.
- . همان، ص ۲۶۸.
- . در فرهنگ شیعی ما یک کتاب روایی با عنوان صحیح فلان یا صحاح فلان نداریم. حتی وقتی یکی از معاصرین روایاتی را از کتاب کافی جدا کرد که به نظر خودش معتبر بود و نام آن مجموعه را «صحیح کافی» گذاشت، خیلی از علما اعتراض کردند؛ البته در حقیقت این کار مبتنی بر یک دیدگاه شخصی در اعتبار روایات بود و مثل کاری است که یک صاحب نظر انجام دهد و روایاتی را به عنوان صحیح می‌پذیرد؛ ولی حتی همین کار وقتی صورت مستقل و کتاب به خود گرفت، پذیرفته نشد؛ چون دیدگاه شیعه این است که همه روایات نیازمند مطالعه خاص هستند و ما کتابی نداریم که از اول تا آخرش صحیح باشد؛ هر چند اخباری‌ها بخلاف این نظر، معتقد بودند منابعی هست که تمامش پذیرفته شده باشد.
- . در فرهنگ سنی فلسفه وجودی «صحاح سته» بر همین اساس استوار است که هر چه روایت در آن‌ها وجود دارد، صحیح است؛ البته خود اهل سنت به خصوص محققین آن‌ها خیلی زود متوجه شدند که این حرف غلط است و کتاب‌هایی مثل «مستدرک حاکم» در واقع در مقام جبران چنین ضعفی بر آمدند و سعی کردند روایات معتبر را از روایات غیر معتبر جدا کنند.
- . المستدرک علی الصحیحین، ص ۱۹۹.
- . همان، ص ۲۰۳.

نظر شهید صدر - رضوان الله عليه -

- ایشان می گوید اصلاً دلالتی بر حجیت اجماع ندارد؛ زیرا بحث ما در این است که اگر در یک مسأله شرعی فرعی اتفاق نظر پیدا شد، آیا این نظر مورد اتفاق ضرورتاً مطابق با واقع است؟ یا به تعبیر منطقی، صادق است. بحث در این نیست که آیا این مجمعین با این فتوا خلاف شرع مرتکب شده‌اند یا نه؛ زیرا فرض ما این است که با مجوز شرعی و بر اساس حجت، به این مطلب فتوا داده‌اند. در حقیقت سؤال این است که آیا ما که در حال حاضر حجت نداریم، می‌توانیم خود این نکته را که ایشان این گونه فتوا داده‌اند، حجت قرار دهیم و به همان فتوا دهیم؛

نظر شهید صدر - رضوان الله علیه -

- اما مضمون روایت این است که امت من بر ضلالت اجتماع نمی کنند؛ یعنی همه آنها با همدیگر کاری که گمراهی و خلاف شرع باشد، انجام نمی دهند نه اینکه همه با هم در فهم و درک اشتباه نخواهند کرد. این مضمون گمراهی عملی است نه صدق و کذب علمی؛

نظر شهید صدر - رضوان الله علیه -

- به عبارت دیگر ضلالت در این روایت ناظر به یک عمل خلاف شرع و بدون مجوز است که در آن ارادة عاملین نقش داشته باشد و در حقیقت با ارادة خود چیزی را که خلاف شرع است و می دانند هم خلاف شرع است، انتخاب کنند.

نظر شهید صدر - رضوان الله علیه -

- پس اگر بر اساس یک حجت شرعی و با رعایت تمام ضوابط عمل کنند، ضلالت نیست؛ هرچند ممکن است مطابق با واقع نباشد در حالی که در بحث اجماع فرض ما نیز همین است که همه بر اساس حجت عمل کرده‌اند؛ لکن ما ناظر به مطابقت و عدم مطابقت عمل با واقع هستیم.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- تفسیر ایشان از این روایات مبتنی بر مبنایی است که ما در اصول و فقه شیعه پذیرفته‌ایم و با مبنای اهل سنت در اصول و فقهشان متفاوت است.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- ما پذیرفتیم در کنار احکام واقعی یک مجموعه احکام ظاهری داریم و اگر کسی به حکم ظاهری عمل کند، هر چند خلاف واقع باشد، معذور است و معاقب نیست، بلکه به سبب اینکه از امر الهی اطاعت کرده است، ثواب هم می‌برد؛ یعنی در نگاه فقهی و اصولی این معنا را پذیرفته‌ایم که لازم نیست فتوای فقیه ضرورتاً مطابق با واقع باشد تا فتوایش و عملش و عمل مقلدانش مشروع باشد؛

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- اما اهل سنت معتقدند که فتوای یک مجتهد نمی‌تواند مخالف با واقع باشد و اگر مخالف با واقع می‌بود، هیچ حجیتی و اعتباری نداشت. از دید آنها نمی‌شود بین ضلالت و کذب منطقی فرقی قائل شد.
- فتوایی که مطابق با واقع نیست از دید آنها مصداق ضلالت است. آنها در ادامه تاریخی خود با این بحران مواجه بودند که این مطلب را که همان نظریه تصویب است، چگونه توجیه کنند.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- در اینجا تفسیرهای گوناگونی از تصویب پیدا شد. بعضی گفتند اصلاً واقعی وجود ندارد و واقع همان است که مجتهد به آن منتهی می‌شود. بعضی گفتند واقع وجود دارد و اگر مجتهد به همان منتهی شد، واقع به حال خود باقی می‌ماند و اگر به خلافش منتهی شد، خداوند - تبارک و تعالی - واقع را به نفع مجتهد تغییر می‌دهد.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- نکته‌ای که می‌خواهم بدان اشاره کنم این است که اگر اهل سنت برای اثبات حجیت اجماع به این روایت تمسک کرده‌اند به سبب این پیش فرض بوده است که اگر جایی ضلالت نیست، حتماً صادق است؛ یعنی مطابق با واقع است و اگر جایی صادق نباشد؛ یعنی مطابق با واقع نباشد، حتماً ضلالت هست.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- مفصل در جای خود گفته می‌شود که تصویب قابل دفاع نیست و مجتهد ممکن است خطا کند و با همه تلاش‌هایی که کرده است، فتوایی غیر مطابق با واقع دهد؛ اما اگر از همان مسیری برود که شارع او را راهنمایی کرده است و به موازینی ملتزم باشد که شارع التزام به آن‌ها را لازم دانسته است، خودش و مقلدانش معذور خواهند بود.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- با توجه به توضیحات پیش گفته این اشکالی که شهید صدر - رضوان الله علیه - در اینجا کرده است، مبنایی است نه بنایی؛ یعنی اگر مبنای (تصویب) را بپذیریم، دیگر نمی‌توانیم این اشکال را طرح کنیم.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- دیگران در برخورد با این روایات توجیهاتی کرده‌اند؛ مثلاً گفته‌اند مضمون این روایات درست است؛ اما دلیل بر حجیت اجماع نمی‌شود؛ زیرا اگر مقصود از امت پیغمبر - صلی الله علیه و آله - واقعاً کل امت باشد، حتماً معصوم - علیه السلام - هم در بین ایشان هست، بنابراین ممکن نیست خطا کرده و گرفتار ضلالت شده باشند.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- پاسخ این گروه آن است که اولاً در اجماع‌های متعارف و محل بحث، عادتاً اتفاق کل امت بما فيه المعصوم - علیه السلام - را نداریم و ثانياً اهل سنت که به این روایات تمسک کرده‌اند، حجیت را از آن خود همین اتفاق نظر می‌دانند؛ یعنی برای آن موضوعیت قائل هستند در حالی که اتفاق نظر برای ما در فرض پذیرش اجماع، موضوعیتی ندارد، بلکه طریقت دارد و به عنوان ابزار کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - دیده می‌شود؛

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- البته ظاهر این روایات بر فرض صحت سند و حمل کلمه «الضلالة» بر کذب منطقی (عدم مطابقت با واقع)، همان چیزی که اهل سنت گفته‌اند؛ یعنی اتفاق نظر موضوعیت دارد. ظاهر برخی از این روایات این است که میزان، رأی اکثریت است و نه حتی اتفاق نظر همه؛

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- چنانکه نقل کرده‌اند: «إِنَّ أُمَّتِي لَا تَجْتَمِعُ عَلَى ضَلَالَةٍ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ اخْتِلَافًا فَعَلَيْكُمْ بِالسَّوَادِ الْأَعْظَمِ»؛ یعنی اگر شما در امت اختلافی دیدید به گونه‌ای که امت دو دسته شدند، جانب سیاهی بیشتر (اکثریت) را بگیرید.
- اگر این ذیل را در نظر بگیریم، روایت فراتر از بحث اجماع، حجیت شهرت را ثابت می‌کند؛ یعنی همین که اکثر فقها یک فتوایی داشتند و اقلیت فتوایی دیگر، فتوای اکثریت ملاک عمل خواهد بود.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- فی الحدیث: إذا رأیتم الاختلاف فعلیکم بالسَّواد الأعظم
- ؛ قیل: السَّواد الأعظم جُملةُ الناس و مُعْظَمُهُم التي اجْتَمَعَتْ علی طاعة السلطان و سلوک المنهج القویم؛ و قیل: التي اجتمعت علی طاعة السلطان و بَخِعَتْ لها، بَرًّا كان أو فاجراً، ما أقام الصلاة
-
-

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- شهید صدر - رضوان الله عليه - در قبال این نکته اخیر می فرمایند مهم نیست که اجماع و اتفاق از چه بابی، موضوعیت یا طریقیت حجت باشد، بلکه در هر حال اگر همه امت بر مسأله‌ای اتفاق نظر پیدا کنند، حجت است.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- نتیجه اینکه روایات اجماع اولاً غیر از اشکالاتی که به صورت عمومی بر اسناد روایات اهل سنت وارد است، در اینجا به طور خاص سنداً مخدوش هستند و ثانیاً دلالت آنها تمام نیست و ضلالت به معنای کذب منطقی به کار نرفته است.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- ما الآن به اشکالات تصویب نمی پردازیم و گرنه همین جا ممکن است اشکال کنید که اگر فتاوی مجتهدین متفاوت می شود، در فرض تغییر واقع، مگر ممکن است واقع به نفع همه ایشان تغییر کند! در حقیقت بحث تصویب دفاع عقلانی ندارد.